

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۲/۱۰  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۱۹

## تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران

۸۹

فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران  
سید محمدمهدی غمامی

سید محمدمهدی غمامی<sup>۱\*</sup>

۱. دکترای حقوق عمومی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

### چکیده

تحریم یکی از ابزارهای اجبار کننده بین‌المللی دولت‌ها برای تغییر رفتار آن‌ها است. این ابزار در واقع مبتنی بر نفی اصل برابری دولت‌ها و از ابزارهای خصومت‌آمیزی محسوب می‌گردد که یک یا چند کشور علیه دیگری وضع و از او می‌خواهند تا تغییرات چشمگیر و بنیادینی را در هنجارها، ساختارها و رفتارهایش اعمال نماید. جمهوری اسلامی ایران از زمان تحقق، مورد تحریم‌های یک جانبه ایالات متحده و کشورهای غربی قرار گرفته و در طی بیش از سی سال به مرور و در فرآیندی پلکانی و تدریجی هم اکنون در سخت‌ترین و جامع‌ترین تحریم نظام بین‌الملل واقع شده است. در این مطالعه با تحلیل مبانی و گفتمان حاکم بر این تحریم‌ها که «نظم عمومی» جمهوری اسلامی را هدف قرار داده، به طرح اقدامات برون‌رفت از این اقدام ضد حقوقی و تبدیل آن به یک فرصت خواهیم پرداخت.

**واژگان کلیدی:** تحریم، دولت، نظام، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، نفت، نظم عمومی.

همان طور که میدانیم تحریم نفتی و بانک مرکزی از تابستان سال جاری به عنوان شدیدترین تحریم غرب علیه ایران ارزیابی می‌شود که بعد از تصمیم زمستانی اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران اجرایی شد. این تحریم‌ها به طور اساسی متمرکز بر اقتصاد ایران برنامه‌ریزی شده است تا توان اقتصادی ایران را مورد حمله قرار دهد. واضعین این تحریم، علت وضع آن را «فشار اساسی برای تغییر رفتار ایران در برنامه هسته‌ای» عنوان می‌کنند (Katzman, 2012: 2) ولی سؤال اینکه «کدام رفتار باید تغییر کند؟». در این مورد یک دومینو مطرح می‌شود. دولتهای غربی بیان میکنند تحریم‌ها علیه ایران به جهت «ابهام در دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای» وضع شده است و اگر ایران اقدام به تعلیق این فعالیت‌ها نماید تحریم‌ها نیز به صورت گام به گام معلق خواهد شد. ولی این بیان مبین یک دومینو غیرانسانی است. چرا که آن‌ها یک سلسله از تعلیق‌ها و نقض حقوق علیه ایران را دنبال می‌کنند. آن‌ها به بهانه‌های رایج سطح بین‌الملل یعنی نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی علیه ایران اقدام به تبلیغ و متعاقباً صدور فرمانها و اقدامات تحریمی می‌نمایند. اقداماتی که طبع فرا سرزمینی دارد و در عرصه نظام دولت ملی - که برابری دولت‌های با صلاحیت تام داخلی است - و حتی فرآیند گذار به سمت الزامات جهانی شدن - که همکاری و همبستگی است - هیچ جایگاهی ندارد.

«نکته قابل تأمل این است که اگر دکترین مهار عراق در زمان صدام حسین، مبتنی بر بهره‌برداری ابزاری از گفتمان مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی بود ولی در دکترین مهار ایران به صورت توأمان از هر سه گفتمان غالب روابط بین‌الملل برای تضعیف نظام یا تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. برای مثال قطعنامه‌های زنجیره‌ای ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد در قالب گفتمان مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی صادر شده‌اند و همزمان آمریکا و متحدانش با سیما سازی مجازی کدهای انحرافی از وضعیت اقلیت‌های دینی، قومی و مانور بر روی حقوق زنان و زندانیان سیاسی برنامه‌ریزی می‌کند و در قالب «گفتمان حمایت از ارزشهای بشردوستانه» نیز زمینه تصویب برخی تحریم‌ها و یا صدور قطعنامه‌هایی را در سازمان ملل ... همانند قطعنامه‌های شورای حقوق بشر، تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا و فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳ باراک اوباما» (دلاورپور اقدم، ۱۳۹۰: ۲-۱) را فراهم می‌سازد. مجموعه تحریم‌ها علیه ایران که با ابداع و پیگیری ایالات متحده

آمریکا به بیش از ۱۶۱ مورد می‌رسد همگی از یک خواست اقتدارطلب نشأت می‌گیرد خواستی که بطور ویژه ایران را در مقام یک دشمن ضروری تحلیل می‌کند. این خواست در درجه اول موضوع اقدامات خصومت آمیز غیر نظامی از جمله مداخله در امور ایران، حمایت از گروه‌های تروریستی، اختصاص اعتبارات هنگفت در جهت تضعیف بنیان‌های اجتماعی - فرهنگی ملت ایران و از همه بارزتر تحریم را فراهم می‌کند و در درجه دوم بطور مکرر «گزینه حمله نظامی» را طبیعی کرده و در جهان ظاهراً متمدن بعد از حاکمیت منشور و بر خلاف نص ماده (۱) و (۵۵)، تهدید به حمله را «گفتمان سازی» می‌کند. از چنین عملکردی چیزی جز اقدام علیه «نظام» جمهوری اسلامی ایران برنمی‌آید. در واقع تحریم‌ها عنصر کارآمدی علیه نظم حاکم بر جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داده و به این ترتیب علیه یک ضلع از مشروعیت (عملی) آن هم به‌طور ویژه به نحوی که خواست عمومی را ناگزیر از تغییر ناشی از فشار نماید طراحی شده است. «با ورود ایران به دهه چهارم نظام مستقل و مقتدر در جهان، شاهد اوج ایده تغییر نظام از طریق ایده «تحریم» هستیم ابزاری که به دنبال ایجاد فشار اقتصادی بر دولت و شهروندان است تا بدین وسیله موجبات نارضایتی مردم و ناکارآمدی حکومت جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده و آن‌ها را مجاب کند که هزینه‌های که آن‌ها برای آزادی و استقلال میپردازند به صرفه نیست.» (غمامی، ۱۳۹۰: ۴) البته در فرآیند جنگ نرم، خواست عمومی ملت هدف نیز مورد حمله قرار می‌گیرد و تا ناخودآگاه در جهت طراحی شده تغییر یابد.

در این مقاله قصد داریم تا با تحلیل فرآیند خواست‌های تحریم‌های وضع شده علیه ایران، علی‌الخصوص تحریم‌های یک‌جانبه جامع‌الخير، مغایرت این تحریم‌ها را با قواعد حقوق عمومی (ناظر بر نظام‌های مردم‌سالار) و حقوق بین‌الملل و بشر بررسی و به‌طور اجمالی راهکارهایی برای برون رفت از تحریم‌های مذکور و تبدیل آن‌ها به فرصت‌هایی برای اقتدار و سازندگی ایران اشاره نماییم.

## مفهوم تحریم و تنوع آن‌ها علیه ایران

تحریم به اقدامی تنبیه گونه علیه یک کشور اطلاق میگردد تا الگوی رفتاری خود را تغییر دهد. تحریم انواع متفاوتی دارد، گرچه تحریم‌های شورای امنیت با داشتن شرایط مربوط صرفاً تنها تحریم‌های مجاز در منشور به حساب می‌آید ولی هم اکنون ایران در معرض تحریم‌های یکجانبه<sup>۱</sup>، یعنی تحریم‌های خارج از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط آمریکا و کشورهای متحد آمریکا قرار گرفته است. تحریم یک جانبه در واقع اقدامات تنبیهی است که یک کشور علیه کشور دیگر بر اساس سیاست خارجه و امنیت ملی خود وضع می‌کند. چنانکه ایالات متحده علیه ایران این تحریم‌ها را وضع کرده و عدم رعایت آن به مجازاتهای کیفری (حداقل ۱ میلیون دلار یا حداقل بیست سال حبس یا هر دو) و مدنی (بیست و پنج هزار دلار یا دوبرابر میزان معامله) می‌انجامد. (Khoshzamid, 2011: 2) (C. F. R. § 560. 701; 50 U. S. C. § 1705 31)

البته تحریم‌ها گهگاهی به همراه سیاست «چماق و هویج»<sup>۲</sup> دنبال شده‌اند چرا که بعد از هر دوره اعمال تحریم، از نظر طراحان تحریم، ظاهراً «اقدامات تنبیهی»<sup>۳</sup> مؤثر و مفید واقع نشده و لازم است تا «انگیزه‌های تشویقی»<sup>۴</sup> نیز به موازات تحریم‌ها لحاظ گردد. ایده مذاکرات گروه ۵+۱ نیز متأثر از این سیاست است تا در جریان اعمال تحریم ایران متقاعد گردد با تغییر الگوی رفتاری، می‌تواند منتظر برخی تغییرات و مشوقها باشد.

نخستین تحریم علیه ایران، تحریم علیه استقلال طلبی ایران در جریان «ملی شدن صنعت نفت» توسط بریتانیا بود. بعد از شکست دولت ملی مصدق با کودتای مرداد ۱۳۲۸، تحریم جامع شورای امنیت نیز ملغی شد تا اینکه دوباره با تحقق انقلاب اسلامی و در واکنش به تصرف سفارت آمریکا، ایران دوباره موضوع تحریم‌هایی شد (غمامی، ۱۳۹۰: ۴) که تا کنون توسط ۶ رییس جمهور آمریکا علیه ایران راهبری و تشدید شده است. در این مدت - از زمان کارتر تا اوباما - بیش از ۱۶۱ تحریم علیه ایران وضع شده است. این رکورد جهانی برای نقض تمامیت و حاکمیت یک کشور در سطح بین‌المللی بیسابقه است. علی‌الخصوص تنوع، جامعیت و فراگیری کور این تحریم‌ها نشان از وضعیت جنگی غیر نظامی میان آمریکا و ایران را دارد. فرآیند کلی و تدریجی اعمال تحریم‌های

1. Unilateral Sanctions
2. Carrot & Stick Policy
3. Punitive Measures
4. Promotive Motivations

یک جنبه علیه ایران به شرح زیر است:

۱. کارتر: ممنوعیت واردات نفت از ایران، مسدود کردن دارایی‌های ایران، ممنوع کردن صادرات ارسال قطعات و لوازم نظامی در سوم نوامبر ۱۹۷۹. بعد از توافقنامه الجزایر غیر از مسدودی دارایی‌های ایران، سایر تحریم‌ها لغو شد.

۲. ریگان: اتهام حمایت از تروریسم به جهت انفجار پایگاه تفنگداران آمریکایی در بیروت (اکتبر ۱۹۸۳) و تحریم ناشی از آن در خصوص ممنوعیت فناوریهای چند منظوره و برخی محدودیت‌های پولی بانکی، ثبت نام ایران در لیست کشورهای حامی تروریسم (۱۹۸۴) و سوء استفاده از نهادهای و سازمان‌های بین‌المللی برای عدم خدمات رسانی به ایران به اتهام حمایت از تروریسم، ممنوعیت صادرات تسلیحات به ایران (۱۹۸۶)، ممنوعیت واردات از ایران (۱۹۸۷).

۳. بوش پدر: طراحی ایده «سیاست مهار» علیه ایران، تحریم علیه انتقال تکنولوژی به ایران و کالاهای دو منظوره تحت عنوان قانون عدم گسترش سلاح ایران و عراق (۱۹۹۳)

۴. کلینتون: ممنوعیت کمک به توسعه منابع نفتی ایران (۱۹۹۵)، قانون تحریم ایران و لیبی معروف به داماتو<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) این قانون صلاحیت فراسرزمینی اعمال می‌کرد یعنی هر شرکتی که با ایران معامله نفتی انجام می‌داد را شامل می‌شد، تصویب قانون گیلمن<sup>۲</sup> علیه ایران، تمدید داماتو (۲۰۰۱)، فرمان اجرایی (۱۲۹۵۷) شامل اخلال و محدودیت در توسعه منابع نفتی ایران، قانون منع گسترش سلاحهای ایران و عراق (۲۳ اکتبر ۱۹۹۲)<sup>۳</sup>، فرمان اجرایی (۱۲۹۵۹) شامل ممنوعیت داد و ستد و بازرگانی و سرمایه گذاری در ایران (می ۱۹۹۵)، قانون منع گسترش تسلیحات ایران و سوریه و کره شمالی (۱۴ مارس ۲۰۰۰)<sup>۴</sup>.

۵. بوش پسر: تمدید داماتو، فرمان اجرایی ۱۳۳۲۴ در خصوص ممنوعیت معاملات با اشخاص خارجی مصمم به حمایت از تروریسم (۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱)، ایجاد محدودیت علیه ایران در جهت جذب اعتبار و سرمایه از طریق

1. Damato
2. Gilman
3. Iran-Iraq Arms Nonproliferation Act
4. Iran-Syria-North Korea Nonproliferation Act

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ در خصوص قرارداد نام سپاه در لیست ممنوعیت اشخاص خارجی حامی گسترش سلاحهای هستهای (ژوئن ۲۰۰۵)، قانون تحریم کمپانی‌های خارجی بخش انرژی ایران (۲۰۰۶) و کمپانی‌های فروش اسلحه به ایران.

۶. باراک اوباما: اوباما قبل از اینکه رییس جمهور شود در مقام سناتور ایلی نوز طرح تحریم‌ها را بطور جدی ذیل عنوان «سیاست نرم افزار گرایانه» مطرح کرده بود.<sup>۱</sup> وی در جریان انتخابات ریاست جمهوری برنامه‌های خود را با شعار «تغییر» تعدیل کرد ولی بلافاصله با به قدرت رسیدن به جامعیت بخشیدن به تحریم‌ها علیه ایران شتاب بخشید. تحریم‌های زمان وی عبارتند از: تمدید داماتو، تحریم کشتیرانی ایران (۲۳ دسامبر ۲۰۱۰)، قانون جامع تحریم ایران، پاسنگویی و کاهش سرمایه‌گذاری (۲۰۱۰)، تحریم بانک مرکزی، بانک سپه، بانک صادرات، بانک صنعت و معدن، بانک رفاه کارگران و...، تحریم برای حمایت از دموکراسی بعد از حوادث انتخابات ۱۳۸۸ علیه اشخاص (محمد رضا نقدی، عباس جعفری دولت‌آبادی و...) و همچنین علیه بسیج و نیروی انتظامی، تحریم ۵۰ دانشمند هسته‌ای و جمعی از قضات و سیاستمداران (۹ ژوئیه ۲۰۱۱)، قانون تحریم نفت و بانک مرکزی (۳۱ دسامبر ۲۰۱۱).

### دومینو علیه ایران

دومینو (Domino) به یک بازی چینی اطلاق می‌شود که در آن بلوک‌هایی پشت سر هم و با فاصله‌هایی متناسب قرار داده می‌شود و با انداختن بلوک اول، سایر بلوک‌ها خود به خود و سلسله وار خواهند افتاد. این تئوری توسط آمریکاییها بعد از جنگ ویتنام، در قالب کتاب سفید جهت براندازی دولتهای کشورهای آمریکای لاتین استفاده شد. به این ترتیب که کافی بود یک دولت در معرض سرنگونی (نیکاراگوئه) قرار بگیرد، به

1. Bill Text, 115th Congress (2007-2008), S. J. RES. 23, 1 November, 2007. <http://thomas.loc.gov/cgi-bin/query/z?c110:S.J.Res.23>.

وی در مجله سیاست خارجی (اگوست ۲۰۰۷) با تأکید بر سیاست تحریمی علیه ایران مینویسد: «در مورد ایران نیاز به دیپلماسی سرسختانه همراه با بکار بستن طیف کاملی از ابزارهای قدرت آمریکا داریم. هدف دیپلماسی ما باید این باشد که با وضع تحریم‌های سختتر و افزایش فشار از جانب شرکای عمده تجاری ایران، هزینه ادامه برنامه هسته‌های ایران را بالا ببریم.»

Barak Obama, Renewing American Leadership, Foreign Affairs, July/August 2007, <http://www.foreignaffairs.com/articles/62636/barak-obama/renewing-american-leadership>.

این ترتیب سایر دولتها (السالوادور، هندوراس، کاستاریکا، کوبا، پاناما، مکزیک و سایر کشورهای منطقه آمریکای لاتین) سلسله وار سقوط خواهند کرد. (شولتز، ۱۳۶۵: ۳۳)

دومینو علیه ایران با بلوک اول یعنی تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای به عنوان فعالیت‌های ایران در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی و انحراف از مفاد ان پی تی شروع می‌شود ولی این اولین اقدام علیه کلیت نظام ایران است و در آن لیستی از عقب نشینیها تحمیلی ایران مطرح می‌گردد:

۱. ایران باید فعالیت‌های هسته ای را معلق کند چون غرب تردید دارد که ایران اکنون یا در آینده از مسیر صلح آمیز خارج شده و اقدام به ساخت تسلیحات هسته ای نماید. در ادامه همین فصل، سایر تسلیحات ایران و بطور خاص موشک سازی نیز مورد خواست تعلیق قرار گرفته است به این ترتیب که این موشک‌ها امکان حمل کلاهک هسته ای دارند. (بلوک اول)
۲. ایران حقوق بشر را رعایت نمی‌کند. به این معنا که در ایران آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وجود ندارد. برای تأمین این آزادی‌ها، مبنایی ترین اقدامی که ایران باید انجام دهد استفاده از الگوی لیبرال دموکراسی و طرد دین است. این خواست تعلیق بطور چشمگیری موسع و مبهم است گرچه بر اساس سیاست «تهدید مرکب» اقدامات، ساختارها و افرادی که امکان تحریمشان در قالب‌های دیگر مقدور نیست با گفتمانهای به ظاهر بشردوستانه در فهرست تحریم‌ها قرار می‌گیرند. چراکه حقوق بشر هم از طریق گفتمان سازی قابل تأویل است و هم بر مفاهیم مبهم و متهافتی بنا شده است. اتهام نقض میثاق حقوق سیاسی - مدنی، میثاق حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و. . . از جمله سیاهه نقض حقوق بشر توسط ایران است. گرچه در این فرآیند اتهام زنی، ایالات متحده از شورای حقوق بشر بویژه گزارشگر ویژه آن<sup>۱</sup> و سایر نهادهای بین‌المللی<sup>۲</sup> بسیار سوء استفاده می‌کند ولی اقدامات تحریمی یک جانبه خود او، بسیار گسترده‌تر و عملیاتی‌تر است. برای مثال آکرمن<sup>۳</sup>,

۱. گزارش‌های غیر واقعی و غیر مستند «احمد شهید» به عنوان گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر که در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱ انتخاب شد سیاست‌های آمریکا را در زمینه محکوم کردن ایران در حوزه حقوق بشر نشان میدهد. قبل از وی رینالدو گالین دوپل (۱۳۶۵ تا ۱۳۷۳) و موریس کاپیتورن (۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰) به عنوان نماینده ویژه حقوق بشر به ایران سفر کرده‌اند.

۲. از جمله سازمان عفو بین‌الملل، گزارشگر بدون مرز، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر.

3. Gary Acherman

دان برتون<sup>۱</sup>، براد شرمن<sup>۲</sup>، ادرویس<sup>۳</sup>، تد داچ<sup>۴</sup>، استیو چابوت<sup>۵</sup> از قانونگذارانی هستند که در پوشش مقابله با نقض حقوق بشر، خواهان تحریم شرکتهای طرف قرارداد با سپاه پاسداران، دانشمندان<sup>۶</sup> و مسئولان قضایی، نظامی و سیاسی شدند تا اقدام به مصادره داراییهای ایشان، ممنوعیت معامله اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکایی با ایشان و منع صدور روایید برای آنها گردد. غالب افراد موجود در لیست تحریمها با ادعای نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران، توسط ایالات متحده آمریکا (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰ و ۲۴ ژوئن ۲۰۱۱) و اتحادیه اروپا (۱۲ آوریل ۲۰۱۱) در فهرست قرار داده شده‌اند.

البته بعد دیگر رفتارهای خصمانه، قوانینی است که بهانه عدم وجود حقوق بشر در ایران توسط مجلسین آمریکا تصویب می‌گردد: برای مثال «قانون حمایت از آزادی در ایران»<sup>۷</sup>، «قانون تقویت دیجیتال در ایران»<sup>۸</sup>، «قانون همراهی با مردم ایران»<sup>۹</sup>، «قانون قربانیان سانسور ایران»<sup>۱۰</sup>، «قانون اختناق سایبری در ایران»<sup>۱۱</sup>، «قانون ارتقای حقوق بشر و دموکراسی در ایران»<sup>۱۲</sup>، «قانون تحریم حقوق بشر ایران»<sup>۱۳</sup> جالب آنکه بر اساس تحریم‌های یک جانبه آمریکا، در سال ۲۰۰۲ سازمان IEEE تحریم علمی علیه ایران را اجرایی کرد. در سال ۲۰۰۶، ده فارغ التحصیل دانشگاه شریف از آمریکا اخراج شدند و سال ۲۰۰۷ شرکتهای ماکروسافت و یاهو از ارائه خدمات وب به ایران به دلیل تحریم خودداری کردند. (غمامی، ۱۳۹۰: ۴) همچنین ایالات متحده آمریکا با

1. Dan Burton
2. Bard Sherman
3. Ed Royce
4. Ted Duch
5. Steve Chabot

۶. ۵۰ مهندس و دانشمند هسته‌ای در فهرستی که ۸ ژوئیه ۲۰۱۱ توسط ایالات متحده آمریکا (با همراهی انگلیس و کانادا) منتشر شد به اتهام تلاش برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای به تبع تحریم‌های سه ماه گذشته (بواسطه اعتراضات به انتخابات) تحریم شدند.

New U. S. Visa Restrictions on Iranian Officials for Human Rights Abuses: <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2011/07/167901.htm>

7. Iran Freedom Support Act, 30 sept 2006.
8. Iranian digital Impowerment Act, 14 des 2009.
9. Stand with Iranian people Act, 14 des 2009.
10. Victim of Iranian Censorship Act, 8 oct 2009.
11. Reduce Iranian Cyber – Suppression Act (H. R. 3284).
12. S. 879 & H. R. 1714
13. Iran Human Right Sanction Act, 23 fev 2010.



استناد به «قانون کاهش جلوگیری سایبری» تحریم‌هایی علیه شرکت‌های نوکیا و زیمنس به دلیل فروش تجهیزات مخابراتی در کنار قانون‌های ظاهراً حمایتی از توسعه آزادی اطلاعات در ایران وضع کرد.

گزارش‌های وزارت خارجه آمریکا از وضعیت حقوق بشر در ایران همواره نمایانگر نقض حقوق مذهبی، جنسی، اقتصادی، رسانه‌ای و سیاسی - اجتماعی است. (Human Rights Report: Iran) چنین گزارش‌هایی هم ماده خام قطعنامه‌های ضد ایرانی در شورای حقوق بشر شده و هم بستر توجیه تحریم‌ها و قوانین مداخله جویانه است. بر این اساس گنگره «صندوق ارتقاء دموکراسی در ایران» را تأسیس کرده تا اعتبار لازم برای اجرای تحریم‌ها و حمایت از گروه‌های معارض نظام را از این محل تأمین مالی نماید.<sup>۱</sup> به علاوه آنکه میتواند تأمین کننده دلایل توجیهی آتی برای مداخلات حقوق بشر دوستانه احتمالی را هم فراهم کند.

این بلوک بیش از همه دچار پیچیدگی و پارادوکس است. چرا که از یک سو ملت تحت بیسابقه‌ترین تحریم‌ها قرار می‌گیرد و از سوی دیگر ادعای نقض حقوق اقتصادی ملت می‌شود و از سوی دیگر ادعا می‌شود که بواسطه تنگناهایی که مردم ایران با آن دست به گریبان شده‌اند آن‌ها با ملت ایران همراه شده و با آن‌ها علیه نظم حاکم می‌ایستند! و همزمان مانع از احقاق حقوق ملت ایران در قالب مفاد صریح اسناد بین‌المللی بویژه بند «۲» ماده (۱) میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی در خصوص تسلط بر منابع طبیعی<sup>۲</sup> است. (بلوک دوم)

۳. ایران از جنبش‌های مسلمان و آزادی بخش در جهان حمایت می‌کند. بطور خاص ایران از گروه‌های مقاومت فلسطینی و لبنانی و همچنین کشورهای که بخشی از خاک آن‌ها توسط رژیم صهیونیستی اشغال شده (مانند سوریه)

1. CRS. For analysis and extended discussion of U. S. and international sanctions against Iran, see CRS

Report RS20871, Iran Sanctions, by Kenneth Katzman available in: Kenneth Katzman "Iran: U. S. Concerns and Policy Responses", June 9, 2011, p. 64. <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL32048.pdf>.

۲. تمام ملتها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین‌المللی، آزادانه (منعقد شده است) ثروتها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند، در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.

حمایت می‌کند و این حمایت، حمایت از تروریسم (Terrorisme Support) محسوب می‌شود. این بلوک اگر چه هم اکنون به عنوان بلوک سوم شناخته می‌شود ولی از اولین و اصلی ترین بلوک‌ها محسوب می‌گردد تا جایی که ایالات متحده آمریکا بر خلاف اصول منشور سازمان ملل متحد و قواعد حقوق بین‌الملل، اقدام به نقض «مصونیت دولت ایران» توسط دادگاه‌های ملی خود شده است. (بلوک سوم)

۴. نظام ایران باید تغییر کند. چرا که نظامی سنت گرا و دین مدار است و ابهت هژمونیک نظم نوین بین‌المللی را دچار مخاطره کرده است. برای این منظور آن‌ها پیشنهاد تغییر رکن نظام یعنی «ولایت فقیه» و رکن «شورای نگهبان» به عنوان ضامن شرع و قانون اساسی را مطرح میکنند. در واقع اصلی ترین هدف تحریم، تغییر بنیادهای نظم عمومی در ایران است. و بدون شک و به تصریح اصل چهارم قانون اساسی ایران، بنیادی ترین محور نظم عمومی ایران، «موازن اسلامی» است. این پیشنهاد در قالب شعار اصلی یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ بطور کاملاً واضحی گنجانده شده بود. (بلوک چهارم)

### واقعیت تحریم‌ها

اما آیا تمام آنچه به ایران نسبت داده می‌شود واقعیت دارد؟. پاسخ خیلی مهم نیست چون قصد اصلی کشورهای واضع تحریم، برقراری نظام دموکراسی در ایران نیست. آن‌ها قصد حاکم کردن حقوق بشر را هم ندارند. به کمی قبل تر از سی سال امروز ایران که نگاه کنیم خواهیم دید که آن‌ها هیچ چیزی را برای ایران نمی‌خواستند: فقط ایران وابسته و تحت استبداد پادشاه بی اختیار، آنچنان که وی را ژاندارم منطقه اعلام کرده و در عین حال برای وی صلاحیت قضایی رسیدگی به جرائم سرزمینی خود را به رسمیت نشناسند و به وی «کاپیتالاسیون» را تحمیل کنند.

حتی وضعیت امروز کشورهایی که با آمریکا تعامل دارند نیز نشان میدهد که نظام دموکراتیک و حقوق بشری در آن‌ها حاکم نیست. بهترین نمونه کشور بحران زده افغانستان است، که آمریکایی‌ها هم اکنون خود پیمانکار ناامنی، مزارع خشخاش و جاسوسی از ایران و چین شده‌اند. جالب آنکه هم مرزهای شرقی ایران (خراسان و سیستان) و هم مرزهای غربی چین (سین کیانگ) از زمان حضور آمریکایی‌ها در افغانستان توسط گروه‌های

افراطی مسلمان نما بسیار ناامن شده است. وضعیت عراق هم به عنوان کشوی که ده سال حضور آمریکایی‌ها را در خود تجربه کرده کاملاً نامساعد است. هر روز چندین عملیات تروریستی و سابقه دردناک زندانهای ضد حقوق بشری (ابوغریب و بصره) عراق را در زمره کشورهای ناپایدار (Fail State) و ناامن خاورمیانه در آورده است.

خواست اصلی تحریم‌ها تغییرات بنیادین در ایران است. گرچه در دوره‌های «سیاست مهار» علیه ایران دنبال میشد ولی این سیاست تدریجاً به «سیاست تغییر» بدل گشت. البته برای ایالات متحده آمریکا اگر موفقیت گزینه حمله قطعی شود از این گزینه حتماً استفاده خواهد کرد ولی «به علت قابلیت‌های جمهوری اسلامی ایران در مدیریت حملات تلافی جویانه، و از طرفی گسترش بی ثباتی امنیتی و انتقال آن به سایر حوزه‌های جغرافیایی با توجه به جهانی شدن امنیت، ایالات متحده ابزار نظامی را گزینه مناسبی برای تغییر رفتار یا تغییر رژیم قلمداد نمی‌کند ... [از طرف دیگر] در شرایط کنونی تأکید بر گزینه تحریم، ابزاری برای جلوگیری از تخریب بیشتر و وجهه آمریکا در نزد افکار عمومی است، زیرا تلاش برای نهادینه کردن بنیانهای فکری مکتب «لیبرال دموکراسی» در خاورمیانه، از طریق گزینه نظامی (افغانستان و عراق)، نه تنها اهداف منطقهای آمریکا را تأمین نکرده، بلکه باعث تضعیف پایه‌های قدرت هژمون در ساختار نظام بین‌الملل شده است. در نتیجه آمریکا با تجدیدنظر در راهبردهای تهاجمی خود تلاش می‌کند دیپلماسی چند جانبه‌ای را از طریق گزینه تحریم عملیاتی کند.» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۷-۸)

هدف تحریم بطور همزمان حاکمیت و ملت است. البته در نتیجه تغییر این دو، اهداف غیر مستقیم دیگری از جمله جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در کشورهای منطقه و حتی فرامنطقهای همانند کشورهای آمریکای لاتین و همچنین ممانعت از الگوپذیری آن‌ها از ایران نیز دنبال می‌شود. گرچه هر قدر ایران بیشتر مقاومت می‌کند و تحریم‌ها عملاً ناکام می‌شود فرآیند نفوذ و الگوپذیری پر شتاب تر خواهد شد. ولی به هر حال در گام اول تمام توجه تحریم‌ها بر حاکمیت و ملت است. به این ترتیب که:

۱. حاکمیت تحت فشار قرار گیرد تا رأساً اقدام به تغییرات هنجاری، ساختاری و رفتاری دهد. این تغییرات مجموعاً به مفهوم تغییر «نظم عمومی» کشور هدف است.

۲. ملت تحت فشار قرار گیرد تا اولاً تغییر خواسته و آرمان دهد و ثانیاً بر حاکمیت فشار بیاورد تا در مقابل تحریم‌ها حاضر به کرنش و تغییرات تحمیلی شود.

یک نظریه جالب دیگر هم در خصوص تحریم‌ها علیه ایران وجود دارد و آن این است که غرب بعد از بحران‌های شدید اقتصادی در حال ضعیف شدن پر شتاب است و

تصور اینکه ایران در این فرآیند، به یک ابرقدرت منطقه ای تبدیل شود برای غرب بسیار زجرآور است. به همین دلیل در بحبوحه سقوط پرشتاب اقتصادی غرب، راهی برای تضعیف اقتصادی ایران جز تحریم نهایی (علیه مهمترین رکن اقتصاد ایران که نفت است) وجود نداشت و این اصلی ترین علت تحریم اخیر اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران است. وگرنه ایران در جریان مذاکرات ۱+۵ درصد رفع بسیاری از ابهامات و احتمالات موانع و حتی فراتر از آن همکاری مشترک بوده و هست. (...)

### نقض قواعد مسلم حقوق بین الملل

تحریم های غرب (کشورهای اروپایی و آمریکا) علیه ایران اصول بدیهی و یا همان چیزی که در حقوق بین الملل به آن ارگا اُمنس (Erga Omens) گفته می شود را نقض کرده این اصول عبارتند از:

#### ۱. نقض حق حیات

بدون تردید اصلی ترین حقی که در زمره حقوق بشر به حساب می آید و از آن به عنوان مادر حقوق بشر نام برده می شود و به هیچ وجه قابل تعلیق و تحدید نیست؛ «حق حیات» است. نقض این حق صرفاً با اعدام و کشتار رخ نمی دهد بلکه مانع امرار معاش شدن هم خود مصداق نقض حق حیات است. و تحریم های اخیر نفتی و بانک مرکزی ایران کاملاً علیه امرار معاش ایران است چرا که بخش اعظم تأمین معاش ایرانیان (GDP) از محل نفت است و بانک مرکزی در واقع صندوق مالی همه ملت است و تحریم این دو، بدون شک نقض حق حیات ملت ایران است چرا که نمیتوانند پولی تحصیل کنند و یا پولی ذخیره کنند تا با آن امرار معاش نمایند.

تحریم ها از سوی دیگر آثار خطرآفرین دیگری را نیز ایجاد کرده اند که ظاهراً واضعین تحریم با اطلاع دقیق از این آثار مرگبار، اقدام به تشدید و مؤثر کردن تحریم ها نموده اند. از این جمله در گزارش ۲۰۱۲ کنگره آمریکا به اثر تحریم ها بر روی وضعیت انسانی ایران اشاره شده است. این گزارش نتیجه تحریم های آمریکا بر صنعت هوایی ایران را از سال ۱۹۹۵، کشته شدن ۱۷۰۰ مسافر و کاهش سفرهای هوایی در ایران عنوان می کند. (Katzman, 2012: 64) این گزارش تأکید می کند چنین آثاری نیز از جهت ایجاد جو روانی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران مد نظر بوده است. (Ibid : 65)

## ۲. نقض حق توسعه

حق توسعه، از محوری ترین موضوعات اسناد نسل سوم حقوق بشر است که از حقوق مسلم کشورهای در حال توسعه به واسطه استعماری که علیه آنها روا داشته است. این حق در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مهمتر از آن در اعلامیه حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها (۱۹۷۴) با اجماع پذیرفته شده و از حقوق بین الملل عام محسوب می‌گردد. این حق واجد دو گزاره است:

اول: تلاش کشورها برای توسعه شان باید مورد احترام سایر دول و سازمانها قرار بگیرد. (حق منفی)

دوم: باید کشورهای توسعه یافته تمامی تلاش مادی و تکنولوژیک خود را در جهت کمک به کشورهای جنوب و در حال توسعه مصروف دارند. (حق مثبت)

هر دو گزاره حق توسعه با تحریم علیه ایران نقض شده است چرا که کشورهای تحریم کننده که همگی از کشورهای توسعه یافته محسوب می‌شوند هیچگاه حق توسعه ایران را به رسمیت نشناخته‌اند و برای مثال در دستیابی ایران به انرژی هسته ای همچنان آنرا به خلل متعددی مواجه کرده‌اند و از سوی دیگر خود موانع متعددی را در مقابل آن قرار داده و هیچ کمکی نیز به تلافی روزهای استعمار پرداخت نکرده‌اند. تحریم جامع نقض حق توسعه است چرا که نه تنها اجازه توسعه مستقل را نمی‌دهد بلکه در وضعیت خصومت آمیز هرگونه کمک سایرین به کشورمان را منتفی می‌سازد.

## ۳. نقض حق تعیین سرنوشت

از اساسی ترین اصول حقوق بین الملل و حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها در حوزه سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. به این ترتیب هر ملتی حق دارد هر نوع نظامی را در کشور خود مبتنی بر کلیات حقوق بشری استوار کند و هیچ شخصی اعم از کشور یا سازمان بین المللی حق دخالت و ورود در مسائل آن کشور را ندارد. تحریم به عنوان ابزاری که ماهیتاً مجازات غیر نظامی محسوب می‌گردد نافی این اصل است چرا که ملت هدف را مجبور به انجام عمل ناخواسته ای می‌نماید. تحریم‌های غرب علیه ایران به هدف تغییر نظر ایرانیان در خصوص نظامی که مستقر کرده‌اند

و یا انرژی هسته ای که هم اکنون جزئی از هویت آن‌ها شده است بدون هیچ تردیدی نقض حق تعیین سرنوشت آن‌ها در حوزه سیاست و اقتصاد است. توضیح این نکته لازم است که برخی عنوان کرده‌اند که قید هر حقی، عدم اضرار به غیر است و حق ایرانیان در داشتن سلاح هسته ای چون ممکن است ایران از این انرژی بهره‌ی نظامی ببرد و به حقوق سایرین تجاوز کند، باید معلق گردد. حتی اگر این حق جزئی از حق تعیین سرنوشت باشد. پاسخ بسیار ساده است:

اول: کسانی که چنین ادعایی را در قالب اینکه «ممکن است ایران...» مطرح می‌کنند. خود باید دقت داشته باشند اگر چنین استدلالی با «امکان وقوع» در مورد ایران مطرح می‌گردد در مورد خود آن‌ها که از سلاح هسته‌های استفاده و دست به نسل‌کشی در هیروشیما و ناکازاکی با بمب اتم، نسل‌کشی در ویتنام با سلاح‌های بیولوژیک و سمی، نسل‌کشی در عراق با سلاح‌های اورانیوم ضعیف شده و... زده‌اند با «قطعیت» مطرح می‌شود. پس آن‌ها باید تمامی فعالیت‌های خود را در زمینه هسته‌ای، و بیولوژیک و شیمیایی معلق کنند چون اساساً حق داشتن این صنایع و فناوری‌ها را به علت اضرار قطعی ندارند.

دوم: گزاره (صغری و کبری) و استدلال مطروح سرشار از مغالطه است چرا که عبارت «قید هر حقی، عدم اضرار به غیر است» صرفاً اثبات می‌کند که حق نباید در مقام نقض حق دیگری بر بیاید. ولی اثبات اینکه دیگران به گمان خود باید حقوق دیگری را معلق کنند از گزاره مذکور قابل استنتاج نیست.

#### ۴. نقض تعهدات قراردادی

از تعهدات بین‌المللی که اعتبار آن‌ها کاملاً منجز و غیر قابل تردید است. مخصوصاً آنکه طرفین تعهد همواره در اشکال مختلف به دوام تعهد ناشی از قرارداد اظهار کنند.

از معتمرین قراردادهای میان ایران و آمریکا، عهدنامه مودت میان این دو کشور است که حتی بعد از انقلاب و هم اکنون طرفین علی‌الخصوص طرف آمریکایی در دیوان داوری ایران و آمریکا به آن استناد می‌کنند. بر این اساس طرفین حق انجام رفتارهای خصومت‌آمیز و علیه منافع یکدیگر را ندارند. در حالی که این عهدنامه همچنان باقی و حاکم است وضعیت تحریم

اساساً قابل قبول نیست چرا که نقض تعهد تعهد قراردادی محسوب می شود و البته از سوی دیگر ناقض استدلالهای طرف آمریکایی در بقای عهدنامه مودت می باشد.

#### ۵. نقض آزادی تجارت

از اصول موافقتنامه ها و قواعد حقوق بین الملل از جمله موافقتنامه تریپس (ماده ۶۴) و اعلامیه اصول حقوق بین الملل، آزادی تجارت است. بر این اساس مبنای زندگی بین المللی و حیات متمدنانه انسان در وضعیتی که جهانی شدن نیز بصورت پروژه - پروسه در حال پیگیری است ناگزیر از آزادی تجارت است. سازمان تجارت جهانی و پیمان گات مبین این ضرورت است. در چنین حالتی، تحریم آن هم علیه کشوری که بخش عمده ای از انرژی جهان را تولید می کند به دو معنا است:

اول: تجارت آزاد برای کشور مورد تحریم شناسایی نشده است.

دوم: تجارت آزاد به علت ناامنی در بازار دچار ریسک و اختلال حاد می شود و سایرین از انجام تجارت آزاد رویگردان می شوند. و از تجارت جهانی دوباره به سمت تجارت ملی روی برگردان خواهد شد.

#### ۶. نقض اصل منع توسل به زور

توسل به زور در هر قالبی بعد از حکومت منشور ممنوع شده است. به این معنا که هر ابزاری که به معنای توسل به زور باشد مطرود است. منشور اقدام خودسرانه و خارج از منشور را نیز مطرود اعلام می کند و قطعنامه ۵۱/۹۱ نیز تدابیر یکجانبه اقتصادی را نفی کرده است. مجموع اسناد بین المللی حتی قبل از منشور هرگونه توسل به زور را صرفاً در مقام مقابله به مثل و دفاع مشروع که باید خطر قطعی و اقدام متناسب و روری با آن از قبل احراز شود پذیرفته و سایر اقدامات را نقض بنیادین حقوق بین الملل می داند. به علاوه آنکه توسل به زور اصل برابری میان دولت ها را که از معاهده وستفالی حاکم است نیز نقض می کند. تحریم یک جانبه به این ترتیب به عنوان اقدامی خودسرانه بنیاد حقوق بین الملل را زیر سؤال می برد چرا که اقدامی اجبارآمیز برای نفی استقلال و برابری دولت ها محسوب می شود.

#### ۷. نقض نظم عمومی بین‌المللی و صلح اقتصادی

از مهمترین مفاهیم و محوری ترین ارکان منشور تأمین صلح جهانی است. به این معنا حتی شورای امنیت نیز نمی‌تواند تصمیمی بگیرد که ناقض صلح جهانی و از مصادیق آن صلح اقتصادی باشد. می‌دانیم که از عوامل اساسی برقراری صلح روابط درهم تنیده دولت‌ها مبتنی بر همکاری اقتصادی است. در نتیجه هر قدر به نقض همکاری اقتصادی دولت‌ها کمک شود به ناامنی و نقض صلح کمک شده است. تحریم نفتی و اقتصادی ایران علی‌الخصوص تحریم بانک مرکزی ایران، به معنای قطع ارتباط شبکه نفتی - گازی بخش عمده ای از کشورها با ایران و با هم است به علاوه آنکه در روابط اقتصادی ایران با بخش جنوبی خلیج فارس که همچنان بحران‌های سیاسی قابل توجهی به دلایل متعددی حاکم بر آن است اثر منفی گذاشته و همه چیز را در منطقه ناپایدارتر خواهد کرد.

نکته دیگر آنکه عدم تأمین انرژی در جهان به دلیل تحریم ایران می‌تواند موجب آشوبها و نارضایتی‌ها و یا بحران‌های سیاسی - اقتصادی جدیدی در جهان و همچنین تشدید بحرانهای موجود در غرب شود. چرا عدم تأمین انرژی به معنای خوابیدن صنایع و سرمایه‌های متعددی در سراسر جهان، بیکاری کارگران، تورم جرائم ناشی از نارضایتی، حمایت از تروریسم و رفتارهای غیر معقول کشورهای ناپایدار در جهان است. به علاوه آنکه در چنین وضعیتی ترغیب کشورهای همانند عربستان و عراق به افزایش تولید نفت خود بحران‌زا است چون از یک سو تعهدات آن‌ها را در نظم بین‌المللی و در قالب آپک را نفی می‌کند و از سوی دیگر در کشورهایی که خود ناپایدار و منشاء رفتارهای تروریستی قابل توجهی در جهان هستند موجب انباشت پول غیر مولد می‌شود.



## نتیجه گیری

تحریم‌های گسترده و سهل‌التصویب در عرصه بین‌الملل، که رفتارهای جنگی ظاهراً غیرنظامی محسوب می‌شوند، تمام قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را متزلزل کرده و این به معنای سقوط منشور و نظم مبتنی بر قانون و برابری عادلانه کشورها است. چنین اقداماتی کل جهان را با وضعیت جنگی روبرو می‌کند. چرا که تمامی اصول حقوق بین‌الملل علی‌الخصوص برابری و حق تعیین سرنوشت دولت - ملت‌ها را بعد از دستفالی و دو جنگ جهانی کشنده زیر سؤال برده و همه آن چیزی که به عنوان حقوق بشر غیر قابل تعلیق از جمله حق حیات و امرار معاش یک ملت در فضای آزاد به عنوان قاعده عام پذیرفته شده را نقض کرده است. وضعیتی که در ادامه بحران اقتصادی جهانی علی‌الخصوص بحران ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا ممکن است به همراه سقوط هژمونی ضد حقوقی ایالات متحده آمریکا، به علت رفتارهای خودسرانه و غیر قانونی در فضای الزامات همکاری و همبستگی جهانی، به تغییر کلیات نظام حقوق بین‌الملل ختم گردد.

در چنین شرایطی و به تبع تحریم‌هایی که علیه ایران در سه ضلع اصلی و دومینوار حقوق بشر، تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی (هسته‌ای) با غایت سرنگونی نظام دنبال می‌گردد گرچه ایران را مورد تهدیدات و آسیب‌های جدی و چند بعدی (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و چالش‌های پیچیده و فزاینده قرار داده است ولی این شرایط سخت می‌تواند بصورت یک ابزار فرصت‌زا نیز عمل کند. به این ترتیب که اگر از ظرفیتهای خاموش هر حوزه به نحو احسن بهره برداری شود و وضعیت تحمیلی با تدبیر دقیق شرایط داخلی و بین‌المللی مدیریت گردد، ایران صاحب اقتدار بین‌المللی قابل توجهی بویژه در عرصه حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و حقوق عمومی خواهد شد.

از طرف دیگر میزان تحمل در وضعیت تحریم، نشان دهنده میزان نهادمندی دستگاه‌ها و سازمانهای یک دولت است. یک کشور با نهادهای شکننده و فاسد در پی تحریم‌های جامع و سراسری به سرعت با نارضایتی عمومی و شکست مواجه می‌گردد. و کشوری که بتواند نهادهای خود را در شرایط تحریم تقویت نماید و رضایت عمومی را نیز در پی کارآمدی این نهادها تأمین نماید به هر میزانی که با تحریم‌های بیشتری مواجه شود از ابتکارات و ابداعات دقیقتر و سختگیرانه تری پیروی خواهد کرد. این سیر به کشور هدف تحریم یک قدرت ماندگاری بالا که از عناصر اصلی «حاکمیت» است را اعطا خواهد کرد علی‌الخصوص در شرایط افول اقتصادی غرب و بیداری اسلامی، امکان ارایه یک مدل جدید از دولت دین مدار مردمی فراهم خواهد شد. البته همه این فرصت به شرط تدبیر دقیق تهدیدات پیشرو می‌باشد.

## منابع

- اسماعیلی، محسن و همکاران (۱۳۹۱)، **جهاد اقتصادی**؛ از مبانی تا موانع، نشر شهر.
- دلاورپور اقدم، مصطفی (مرداد ۱۳۹۰)، **واکاوی تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب تحلیل گفتمان**، دفتر سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۹۱۸.
- غمامی، سید محمد مهدی (۵ آذر ۱۳۹۰)، «حقوق بین‌الملل اولین قربانی تحریم‌ها»، **حمایت**، شماره ۲۳۹۰.
- چرچیل، رابین و آلن لو (۱۳۸۵)، **حقوق بین‌الملل دریاها**، ترجمه بهمن آقایی، گنج دانش، تهران.
- غمامی، سید محمد مهدی (۱ مرداد ۱۳۹۱)، «تحریم نفتی ایران و هزار یک مسئله حقوقی»، **حمایت**، شماره ۲۵۶۸.
- شولتز، دونالد (بهمن ۱۳۶۵)، **توهّمات آمریکا و واقعیات آمریکای مرکزی**، تهران: اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵.

## لاتین

- Bill Text, **115th Congress** (2007-2008), S. J. RES. 23, 1 November, 2007. <http://thomas.loc.gov/cgi-bin/query/z?c110:S.J.Res.23>.
- CRS. **For analysis and extended discussion of U. S. and international sanctions against Iran**, see CRS Report RS20871, Iran Sanctions, by Kenneth Katzman available in: Kenneth Katzman "Iran: U. S. Concerns and Policy

Responses”, June 9, 2011, p. 67. <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL32048.pdf>

- **2009 Human Rights Report: Iran**, March 11, 2009, [www.state.gov/g/drl/rls/hrrpt/2009/nea/136068.htm](http://www.state.gov/g/drl/rls/hrrpt/2009/nea/136068.htm).

- Kenneth Katzman (July 16, 2012) **Iran Sanctions**, Congressional Research Service (USA), 7-5700, RS20871, [www.crs.gov](http://www.crs.gov).

- Niki Khoshzamid Moore and Veena Dubal (2011), **The Impact of U. S. sanctions against Iran on you: an Asian law caucus publication**, Asian Law Caucus.

۱۰۷

فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم های آمریکا علیه دولت ایران  
سید محمد مهدی غفاری

